

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی^۱
سال سیزدهم - شماره دوازدهم - اسفند ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۸

سبک‌شناسی نثر زنان در دوره قاجار و مشروطه

(ص ۴۶-۲۷)

حمیده مظه‌ری آزاد^۲، مریم شایگان^۳ (نویسنده مسئول)، محمدحجت^۴
تاریخ دریافت مقاله: اردیبهشت ۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: مهر ۹۸

چکیده

ادبیات و تاریخ ایران نشان می‌دهد جامعه زنان در گذشته، در صحنه روایت و ثبت نقش تاریخی خود غایب بوده‌اند و در این غیبت، قلم به دست مردانی بوده است که به حذف یا تحریف سیمای واقعی زنان در طول تاریخ پرداخته‌اند. با وجود این به دوره مشروطه باید با نگاهی دیگر نگریست. دوره‌ای که همراه با آشنایی با فرهنگ غرب، طرح مطالبات اجتماعی، تلاش برای سوادآموزی، نامه‌نگاری، روزنامه‌نگاری و حضور در صحنه‌های اجتماعی برای زن ایرانی بود؛ بطوری که میتوان آن را آغازگر دوره‌ای در تاریخ ایران دانست که زنان به طرح مطالبات اجتماعی خود پرداخته‌اند. در واقع از این دوره بتدریج میتوان شاهد نشانه‌های حضور زنان در گستره نویسندگی، بویژه در حوزه عمومی و اجتماعی ایران، بود. هدف از این مطالعه بررسی سبک‌شناسانه نثر زنان در دوره قاجار و مشروطه، به منظور شناخت جایگاه اجتماعی واقعی آنها در این دوره تاریخی است. در این تحقیق گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته و تحقیق به روش تاریخی به توصیف و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد جنسیت، طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات و روحیات زنانه بر ویژگی‌های سبک‌شناسانه این آثار تأثیر گذاشته است.

کلمات کلیدی: زنان، آثار منتور، نثر، نامه‌نگاری، روزنامه، سفرنامه، قاجار، مشروطه

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران
(h_mazhariadzad@iauk.ac.ir)

۳- استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران
(shayegan@iauk.ac.ir)

۴- استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران
(mohammed_1457@iauk.ac.ir)

Stylistics of Women's Prose in the Qajar and Constitutional Periods

Hamideh Mazhari azad¹, Maryam Shaygan², Mohammad Hojjat^۳

Abstract

Iranian literature and history show that in the past, the women's community has been absent from the narrative and historical role, and in this absence, the pen has been in the hands of men who have removed or distorted the true appearance of women throughout history. However, the constitutional period must be looked at differently. The course, which was accompanied by an introduction to Western culture, social demands, literacy efforts, letter-writing, journalism, and social scenes for Iranian women, so that it could be the beginning of a period in The history of Iran knew that women had made their social demands. In fact, from this period, we can gradually see the signs of women's presence in the field of writing, especially in the public and social spheres of Iran. The aim of this study is to investigate the stylistic style of women's prose in the Qajar and constitutional periods, in order to recognize their real social status in this historical period. In this research, data collection using library resources and historical research Describes and analyzes data. The findings show that gender, social class, level of education and women's morale have influenced the stylistic features of these works.

Keywords: women, prose works, prose, correspondence, newspaper, travelogue, Qajar, constitutional

1- PhD student, Persian language and literature, Kerman branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran. (h_mazhariazad@iauk.ac.ir)

2- Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran. (shayegan@iauk.ac.ir)

3- Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran. (mohammed_1457@iauk.ac.ir)

۱- مقدمه

نقش و جایگاه زن در دوره‌های مختلف تاریخ متفاوت بوده است. مردان به‌جز برتری‌هایی که از نظر جسمی، اقتصادی، فرهنگی، و مانند آنها نسبت به زنان داشته‌اند، از موهبت آموزش و تحصیلات نیز برخوردار بوده‌اند و از آنجاکه اکثریت باسوادان جامعه را تشکیل می‌دادند، تاریخ و ادبیات نیز به قلم آنان نوشته شده و بدین ترتیب با باورهای زن‌ستیزانه و مردسالارانه همراه است.

در تاریخ ایران، دوره مشروطه را میتوان به‌عنوان نقطه‌گاه آغازین حضور اجتماعی زنان معرفی کرد. در حقیقت میتوان مشروطه را آغاز عبور زنان ایرانی از نگرش سنتی جامعه دانست. در این دوره زنان به بیان درخواستهای اجتماعی مانند سوادآموزی، مشارکت سیاسی و اقتصادی، ایجاد انجمنهای زنانه و انتقاد اجتماعی می‌پردازند. حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی طی دوره دوم قاجار بسیار چشمگیر بوده است. آنان فعالانه در مقاطعی حساس از تاریخ معاصر ایران نقش خود را ایفا کرده و عمده فعالیتهای اجتماعی زنان در عرصه عمومی به سالهای بعد از انقلاب مشروطه برمیگردد.

یکی از مظاهر تلاش اجتماعی زنان در این دوره را باید در مکاتبات آنها، به‌ویژه در قالبهای نامه‌نگاری، روزنامه‌نگاری، سفرنامه‌نویسی، و خاطره‌نویسی جست‌وجو کرد. این امر که نتیجه هموارتر شدن زمینه سوادآموزی برای زنان در مقایسه با گذشته بود، مواردی مانند تلاش برای انجام فعالیتهای اجتماعی و شهروندی، تلاش برای حضور در عرصه‌های سیاسی مانند اداره کشور و حق رأی، حضور فعالانه در عرصه‌های اقتصادی و رهبری حرکت‌های ملی را در خود منعکس میکند. زنان که تا قبل از این مخاطب مردان در امور عقلی و اجتماعی نبودند و اهل سخن فرض نمیشدند و نظریاتشان مورد توجه قرار نمیگرفت، با گشودن فضا در فرهنگ مکتوب، خود را وارد شرایط مردانه اجتماع کردند و در صفوف ملت جای گرفتند. به این ترتیب، حضور در ادبیات منثور، از اولین جلوه‌های حضور زنان در محیط جمعی محسوب میشود.

در این تحقیق سعی میشود با سبک‌شناسی متون نثر دوره قاجار و مشروطه، که به قلم زنان به نگارش درآمده است، نشانه‌های نخستین حضور جدی و گسترده آنان را در عرصه ادبیات و اجتماع مورد تحلیل و بررسی قرار داد. مهمترین این متون در حوزه‌های نامه‌نگاری، روزنامه‌نگاری، سفرنامه‌نویسی و خاطره‌نویسی است.

۲- روش تحقیق

این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و اطلاعات موردنظر با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسناد آرشیوی گردآوری شده است. نگارندگان با مطالعه روزنامه‌ها، اسناد، مقالات و کتب مربوط به نثر زنان در این دوره، به یادداشت‌برداری از مطالب پرداخته و سپس به توصیف و تحلیل آن با توجه به مسئله تحقیق دست زده‌اند.

۳- پیشینه تحقیق

در رابطه با آثار منثور زنان در این دوره، نسبت به شعر آنان، پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است که غالباً هر یک از انواع ادبی را به صورت جداگانه بررسی کرده‌اند و تمرکز اصلی نگارندگان بر نامه‌نگاری زنان در این دوره است؛ مانند مقاله‌های «بررسی مطالبات اجتماعی زنان در جراید عصر مشروطه، با تأکید بر نامه‌نگاریهای زنان در روزنامه ایران نو» از محمدعلی علیزاده و علی باغدار دلگشا (۱۳۹۵) و «بررسی نامه‌نگاری زنان در روزنامه ایران نو» از علی باغدار دلگشا (۱۳۹۴). دسته‌ای از پژوهش‌ها نیز به بررسی جایگاه زنان در نثر این دوره پرداخته‌اند که معطوف به مسئله زن و بازتاب آن در آثار منثور این دوره یا بخشی از آن است؛ مانند مقاله «تحول جایگاه زن در نثر پیش از مشروطه» از سیدجعفر حمیدی و مریم عاملی رضایی (۱۳۸۶)، و کتاب سفر دانه به گل با عنوان فرعی سیر تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار (۱۳۸۹) از مریم عاملی رضایی. نویسنده در این اثر سعی کرده است با جست‌وجو و یافت نشانه‌های حضور زن در متون منثور این دوره دریابد چه مطالبی درباره زنان، مورد نظر نویسندگان مرد بوده است و تا چه حد زندگی و وضعیت آنان در نثر انعکاس یافته است.

موضوع تحقیق پیش رو اما بررسی سبک‌شناسانه آثار منثور زنان در دوره قاجار و مشروطه است. در این تحقیق نشان داده خواهد شد که چگونه تغییر اوضاع و شرایط اجتماعی، زمینه مناسب را برای ورود رسمی و جدی زنان به فرهنگ و ادبیات مکتوب فراهم نمود و سبک این نوشته‌ها دارای چه ویژگی‌هایی است و پیوند آن با دنیای زنان چگونه است؟

۴- تحصیل زنان در دوره قاجار و مشروطه

در زمان ناصرالدین شاه طرح آموزش عمومی منطبق بر الگوهای آموزش غربی، عاملی در دگرگونسازی فضای فکری و فرهنگی زنان شد. این طرح ابتدا از سوی هیئت‌های مذهبی در جامعه اقلیتهای مذهبی آغاز شد که دختران مسلمان در آن حضور نداشتند. پس از مدتی به پیشنهاد ساموئل بنجامین^۱، وزیر مختار آمریکا، و موافقت ناصرالدین شاه، اولین گروه دختران وارد مدرسه فراتکو پارسان تهران شدند. به تدریج بر تعداد این مدارس اضافه شد. البته در بسیاری از موارد، حضور دختران در مدارس با مخالفت‌های شدیدی مواجه شد تا جایی که عده‌ای به ویران کردن مدارس نیز اقدام کردند، اما این جریان همچنان ادامه یافت. بنابراین «تأسیس اولین مدرسه دختران به دوران ناصر میرسد. در سال ۱۸۷۰ میلادی بود که برای نخستین بار دختران مسلمان ایرانی در مدارس آمریکایی حضور

1- Samuel Benjamin

یافتند و به تحصیل همت گماردند» (انجمنهای نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطه، آفاری: ص ۱۷).

زنان که در باور سنتی گذشتگان دارای نقش فعال و تأثیرگذار اجتماعی نبودند، با ایجاد زمینه‌های شکلگیری مشروطه در پی احقاق حقوق اجتماعی‌شان برآمدند. در دی ماه سال ۱۲۸۵ شمسی، روزی که مظفرالدین شاه قانون اساسی را توشیح کرد، روزنامه مجلس تقاضای یک زن را در حمایت از آموزش زنان و مشارکت اجتماعی آنها به چاپ رساند. نویسنده نامه خواستار حمایت حکومت از تأسیس مدارس دخترانه شد. (چراکه چنین حمایتی صرفاً از مدارس پسرانه صورت میگرفت) و اعلام کرد که ایران به این علت از قافله تمدن عقب مانده است که زنانش از آموزش محرومند و کودکانی که به دست مادران درس‌نخوانده تربیت شوند، آمادگی رقابت و مواجهه با جوامع پیشرفته‌تر را ندارند. سردبیر روزنامه مجلس نوشت: «البته زن و مرد از لحاظ فهم و منطق تفاوتی ندارند، اما تعلیم- و تربیت زنان باید به امور اطفال، خانه‌داری و علمی راجع به اخلاق و معاش خانواده باشد و در امور خاصه رجال از قبیل علوم پلטיکی و امور سیاسی فعلاً مداخله ایشان اقتضا ندارد» (مشارکت سیاسی زنان، کار: ص ۱۹). پاسخ سردبیر نشان‌دهنده این بود که بسیاری از نمایندگان مجلس میخواستند به‌رغم تحولات جدید سیاسی در کشور، همان مناسبات سنتی بین مرد و زن را حفظ کنند. هدف زن در عصر مشروطه اما رفع تبعیض دیرینه تاریخی در عرصه زندگی اجتماعی خویش بود و برای تحقق این مهم میبایست خود را توانا سازد. از منظر زنان عصر مشروطه، آموزش دختران ایرانی ضرورت داشت، زیرا تعمیم سواد و ایجاد مهارت‌های لازم برای مشارکت اجتماعی و حضور در جامعه و کسب درآمد، به استقلال زن می‌انجامید، و او را از وابستگی به مرد میرهانید.

در این میان اما حساسیتهای موجود بر روی مدارس دخترانه و مانع‌تراشی در امر تحصیل دختران، حتی توسط خود زنان، شرایط را برای فعالیت ایشان در عرصه اجتماع دشوار میکرد. برخی اعتقاد داشتند در مدارس دخترانه هر کاری انجام میشود به‌جز درس خواندن. خانم مهرتاج درخشان^۱ در گزارشی که در ماه صفر ۱۳۳۸ (ه.ق)، مصادف با نوامبر ۱۹۱۹ میلادی، درباره مدارس دخترانه تهران، در روزنامه زبان زنان به چاپ رساند، نوشت: «اگر حقیقت امر را بخواهید، بیشتر از چهار یا پنج مدرسه دخترانه بامعنی در تهران نداریم. مابقی مرکب‌اند از چند باب تجارتخانه، دلالخانه، تقلبخانه و هر کدام مراکز انواع مفسد اخلاقی. از روز اولی که دختر داخل آن تقلبخانه‌ها میشود، تخم رشوتگیری و رشوت‌دهی در کله ساده او کاشته میشود» (روزنامه زبان زنان، ۲۱ صفر ۱۳۳۸: ص ۴). به

۱- شاعر ایرانی و از پیشگامان جنبش زنان در ایران (۱۲۶۰-۱۳۵۳)

همین دلیل مدرسه ام‌المدارس که مؤسس آن صدیقه دولت‌آبادی^۱ بود، به‌خاطر عدم رعایت شئون دینی و قوانین وزارت معارف تعطیل شد. دولت‌آبادی را به مدت سه ماه زندانی کردند و از خانواده‌اش تعهد گرفتند که پس از این در این زمینه به فعالیت نپردازد. حتی هنگامی که صدیقه دولت‌آبادی، دبستان دخترانه دیگری به نام مکتب شرعیات به مدیریت بتول کاوه تأسیس کرد، این دبستان نیز به سرنوشت مدرسه ام‌المدارس دچار شد (هدفها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، خسروپناه: ص ۲۲۲).

در مجموع میتوان گفت امکان تحصیل برای زنان در دوره قاجار بسیار محدود بود، باوجود این در مقایسه با گذشته دارای پیشرفتهای چشمگیری، به‌ویژه در عصر مشروطه، گشت. «در عصر قاجار زنان با توجه به وضعیت اقتصادی و پایگاه فرهنگی و اجتماعی خانواده‌هایشان در مسیر سوادآموزی قرار داشته‌اند، ولی این مسئله با توجه به جمعیت زنان چندان قابل توجه و چشمگیر و در واقع همگانی نبوده است. در همین گروه نیز آموزش زنان که بیشتر صبغه مذهبی داشته و گاه تنها شامل خواندن بوده و نه نوشتن توسط پدران، برادران، عموها و اعضای خانواده صورت می‌گرفته است. در مواردی نیز زنان نسبت به آموزش دختران خود و زنان دیگر اقدام می‌کرده‌اند. البته در عصر قاجار شاهد به-کارگیری معلمان سرخانه و رفتن به مکتبخانه هم هستیم ولی عمومی شدن تحصیل در دوران بعد از مشروطیت و فعالیت مردان و زنان مبارز مشهود است» (تاریخ خانمها، حجازی: ص ۵۸).

فراهم شدن زمینه‌های تحصیل و سوادآموزی برای زنان در این دوره، به تدریج شرایط حضور آنان را در ادبیات مکتوب ایران نیز فراهم کرد. زنان در حوزه‌های گوناگون ادبی وارد شده و آثاری از خود به‌جا گذاشتند. یکی از این حوزه‌ها ادبیات منثور بود. آثار منثور زنان در این دوره بیشتر در حوزه‌های روزنامه‌نگاری، نامه‌نگاری، سفرنامه‌نویسی و خاطره‌نویسی است.

۵- آثار منثور زنان در دوره قاجار و مشروطه

اگرچه غیبت زنان در اکثر کتب تاریخی دلیلی بر فقدان آنان در کل داستان زندگی گذشتگان نیست، بیانگر نقش اندک آنان در اجتماع و فرهنگ است. در زمینه شعر، البته نمونه‌هایی از آثار زنان باقی مانده است، اما بیشتر نوشته‌های منثور زنان در طول تاریخ ایران از میان رفته است. تا پیش از دوره ناصری میتوان گفت محدود نوشته‌های نثر زنان در رسالات فقهی و ادعیه و اوراد خلاصه میشود. رساله فقهی آمنه خاتون بنت المجلسی، دختر ملا محمد تقی مجلسی و همسر ملا صالح مازندرانی، که شرحی بر الفیه ابن مالک و

۱- روزنامه‌نگار ایرانی و از فعالان انقلاب مشروطه و جنبش زنان در ایران (۱۲۶۱-۱۳۴۰)

شرحی دیگر بر *شواهد البهجه المرضیه فی شرح الفیه* در سده یازدهم هجری نوشته است و *نجات المسلمات* نوشته زنی به نام نوری جهان که آن را در 1224 ه.ق با خط زیبای خود نگاشته است، از معدود نوشته‌های زنان محسوب می‌شود (دیدارهای دوست، پژوهشی در ادبیات سفرنامه‌ای، کراچی: ص ۷).

به موازات تحولات فرهنگی و اجتماعی از دوره ناصرالدین شاه، شاهد بروز تغییراتی در حیطه فرهنگ هستیم. اگر تا پیش از این دوره، در کل تاریخ ایران معدود نوشته‌های نثر از زنان در رسالات فقهی، تاریخی یا ادعیه و اوراد خلاصه می‌شد، از این دوره شاهد حضور زنان در عرصه متون منثور هستیم. بر این اساس تلاش زنان در کشورهای اروپایی برای رسیدن به دانش و مسئله سوادآموزی، باعث ایجاد حرکتی مشابه آن توسط زنان ایرانی گردید. به صورتی که سوادآموزی بدل به برجسته‌ترین و بااهمیت‌ترین خواسته زنان در این دوران می‌شود. زمینه پیگیری و پیروزی زنان ایرانی در ایجاد و گسترش سوادآموزی دختران، زمینه‌های نامه‌نگاری در مطبوعات و تأسیس مطبوعات مخصوص زنان مانند «دانش»، «شکوفه» و «زبان زنان» را هموار مینمود. در واقع وضعیت نابسامان اجتماعی در دوران قاجار در کنار نفوذ فرهنگ غربی، زمینه را برای طرح نظریات جدید، به‌ویژه در حوزه زنان در قالب‌های سیاسی و ایجاد انجمن‌های سری و نیمه‌سری نسوان فراهم ساخت.

تعلیم و تربیت در دوره قاجار اگرچه عمومی و فراگیر نبود، در نتیجه همان مکتبخانه‌ها، تعلیمات خصوصی معلمین خانوادگی و یا آموزشگاهی که مردان به همسران و یا دختران خود میدادند، زنان بزرگی در زمینه‌های گوناگون مخصوصاً شعر و ادب پرورش یافتند که بعضاً بینظیر بودند (زن در تاریخ معاصر ایران، توانا: ص ۱۷۵). مری شیل^۱، همسر سفیر انگلستان در اوایل دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، در خاطراتش مینویسد: «زنان طبقه مرفه معمولاً باسوادند و با شعر و ادب مملکت خویش آشنایی دارند و اغلب آنان قرائت قرآن، نه معنی آن را، میدانند. در میان زنهای ایل قاجار و به‌خصوص خانواده سلطنتی، تعداد افراد باسواد خیلی زیاد است و اکثر آنها مکاتبات خود را شخصاً و بدون کمک میرزاها مینویسند» (خاطرات لیدی شیل، شیل: ص ۲۵۷).

همزمان با حرکت نثر فارسی به سمت ساده‌نویسی، شاهد آغاز گرایش زنان به ثبت خواسته‌ها، عواطف و انتقادات خود در این قالب ادبی هستیم. نوشته‌های اولیه زنان در قالب نثر، بیشتر در خدمت بیان عواطف و احساسات آنان است. نثر این نوشته‌ها متأثر از محیط خصوصی زنانه و زبان گفتاری است. به تدریج با ورود به دوره مشروطه و گسترش روزنامه‌ها، نثر زنان وارد حیطه عمومی می‌شود و از زبان گفتار فاصله می‌گیرد. آنچه از نوشته‌های زنان در دوره قاجار به دست آمده است، در قالب نامه، سفرنامه، و خاطرات قرار می‌گیرد. «تفاوت

این انواع ادبی با انواع ممتازتر آن از قبیل داستان یا نمایش در این است که این قوالب غیررسمی را برای اجرای عمومی طراحی نکرده‌اند و نیازی به تحصیلات رسمی و آموزشی فراتر از سواد معمول ندارد. جاه‌طلبی حرفه‌ای در آنها نیست و در نتیجه به‌عنوان سرگرمیهای مناسب زنان شناخته میشوند» (درسنامه نظریه و نقد ادبی، گرین: ص ۳۴۴). نویسندگان همه این متون، به‌جز نامه‌نگاری در مطبوعات، زنان درباری و متعلق به طبقه بالای اجتماع بوده‌اند. وجه اشتراک میان این نگاشته‌ها این است که همه آنها در حوزه خصوصی به تحریر درآمده‌اند. نویسندگان آنان که به طبقات بالای اجتماعی تعلق داشتند و از نعمت سواد بهره‌مند بودند، نامه‌نگاری میکردند یا گزارش سفر خویش را به ثبت میرساندند یا شرح احوال خویش را مینگاشتند و شاید تصویری مبنی بر اینکه نوشته‌های آنها، روزی در معرض قضاوت عموم قرار خواهد گرفت، نداشتند.

۵-۱- نامه‌نگاریهای خصوصی

نامه‌نگاری شاید اولین حوزه فعالیت زنان در ادبیات منثور در این دوره باشد. نامه‌های زنان در این دوره که صورت عمومی نمی‌یافت و به نشر نمیرسید، مربوط به حوزه خصوصی و شامل گفت‌وگوهای عادی و روزمره زندگی بود. این نامه‌ها اغلب به‌وسیله زنان حرمسرا نوشته میشد و مخاطبی جز شاه و شاهزادگان نداشت. این طبقه از زنان طبعاً دارای دغدغه‌های اجتماعی و آزادیخواهانه نبودند؛ بنابراین اهمیت این نامه‌ها تنها در شناخت جلوه خصوصی و فردی زنان حرمسراست و از مضمون آنها میتوان دل‌مشغولیه‌ها و اموری را که زنان درباری به آن میپرداختند، دریافت. ناصرالدین شاه را «عادت بر آن بود که هر گاه میخواست در اندرون یادداشت یا نامه‌ای بنویسد، یکی از زنهای درجه دوم خود را در کنارش مینشاند و چراغی به دست وی داده آنگاه به تحریر میپرداخت. بعضی از بانوان مزبور خواندن و نوشتن میدانستند و بنا بر مصلحت از ظاهر ساختن آن سخت‌خودداری میکردند زیرا هرچند تن طرفدار و خبرنگار یکی از رجال برجسته دولت بودند. شگفت آنکه شاه با دانستن این نکته یادداشتهای عزل و نصب و مانند آن را در برابر دیده نامحرم آنان مینوشت» (تاریخ خانمها، حجازی: ص ۱۵۱).

نامه‌های زنان در دوره ناصری، بیشتر خصوصی بودند و از آنجاکه به عرصه عمومی جامعه وارد نشده‌اند، توصیفی‌اند؛ به تعبیری دیگر عواطف و احساسات آنان را توصیف کرده و شرح میدهند. غلبه این وجه توصیفی در نوشته‌های این دوره به‌روشنی دیده میشود. از جمله آن نوشته‌ها میتوان به نامه‌های مهد علیا یا زنان ناصرالدین شاه اشاره کرد. اینها به گونه‌ای تنظیم و روایت شده است که یک بند از نوشته‌ها را میتوان همچون یک داستان کوتاه فرض نمود. «گرچه فرامین، احکام و وقفنامه‌های مهد علیا، مادر ناصرالدین شاه، نگاشته کاتبان است، اما نامه‌های خصوصی وی به ناصرالدین شاه یا درباریان نگاشته خود اوست. موضوع این نامه‌ها، مسائل حکومتی، شفاعت و پیگیری کار اطرافیان، احساسات

مادرانه او نسبت به ناصرالدین شاه و مسائل روزمره است. نثر او در نامه‌ها نثری ساده و روان، با جملات کوتاه و بدون حشو و زوائد است که اغلاط رایج نثر این دوره کمتر در آن به چشم می‌خورد. چیره‌دستی مهد علیا در نثرنویسی از آنجا آشکار می‌شود که به گفته تذکره‌نویسان، نثر او را در دوره خودش «لغالی منثور» مینامیدند» (زنان سخنور، شیرسلیمی: ص ۷۶).

نامه‌های مهد علیا به ناصرالدین شاه معمولاً شامل قربان و صدقه رفتن و دعا به سلامتی وجود شاه و دادن وعده‌های خوش به اوست. اما نامه‌های او به درباریان مانند عین‌الملک یا معتمدالملک خصوصاً آنها که در دوره امیرکبیر نگاشته شده، شامل گلایه‌های سخت از بیتوجهی ناصرالدین شاه به اوست. در اینجا یک نمونه از این نامه‌ها آورده می‌شود: «فدایت شوم، با مُرکب بنفش عرضه نمودم، من باب رسم و حال که موسوم است. باری امیدوارم که جمعی متعلقان صحیح و سالم وارد شده باشند. به حمدالله نعمت صحت برقرار است. تمام فامیل از هر دو سه طرف به حمدالله سالمند. خدمت علیا مخدره معظمه محترمه زینت الحاجیه دامت خدارتھا "پیوسته باد" را عرض سلام تقدیم مینمایم، نور چشم عزیز والامقام علیرضا را سلام برسانید» (سند شماره ۹۶۵۱۳۹۳، مجموعه نواب شریفی).

نامه‌های امینه اقدس، انیس‌الدوله و ندیم‌السلطنه که به شاه نگاشته شد، بیشتر در شرح دلتنگی زنان از دوری شاه و توصیف اوضاع خود و حرم خانه در نبود شاه است. همچنین درخواست و طلب سوغات از شاه و قربان و صدقه شاه رفتن و دعا به وجود او در نامه‌ها تکرار می‌شود. به نمونه‌ای از نامه ندیم‌السلطنه به ناصرالدین شاه توجه کنید:

«روز یکشنبه هشتم ربیع‌الاول، بعد از نماز صبح آمدم دم ندیم‌آباد نشستیم و گلهای رنگارنگ واشده بود: از قبیل نیلوفر، میخک، لاله عباسی فرنگی. نشسته بودم نگاه میکردم. شکوه‌السلطنه هم میان حوضخانه نشسته بود. از گرما له‌له میزد. دیدم مادر یمین‌الدوله شمد را سر نی کرده است. چشمها گود رفته است، بیحال از اتاق درآمد. حالت اینکه حرف بزند ندارد. گفت ندیم‌السلطنه چه میکنی باز هم باغبانی میکنی؟ من گفتم مشهدی ترا چه میشد؟ گفت چی میدانم. دیشب تا صبح نخوابیدم. [...] در حرف بودیم، چای میخوردیم» (مهدعلیا به روایت اسناد، نوایی: ص ۱۰۴).

نامه‌های فروغ‌الدوله (تومان آغا)، نامه‌های شمس‌الدوله دختر عضدالدوله، نامه‌های عزیزالسلطنه دختر ناصرالدین شاه، و نامه‌های نجم‌السلطنه دختر شاهزاده فیروز از دیگر نامه‌های مهم مربوط به این دوره است. شیوه نگارش این متون بیانگر این واقعیت است که زنان آن دوره با قالب رسمی نگارش مکتوب فاصله زیادی داشته‌اند و در واقع فرهنگ شفاهی بر اندیشه و زبان آنها غلبه دارد. توصیف جزئیات بی‌اهمیت و پیش‌پاافتاده، عباراتی گلایه‌آمیز با مفهومی شبیه به درددل، و سخن گفتن از احساسات صرف، و زبانی ساده و

روان از ویژگیهای اصلی این نامه‌هاست.

۵-۲- نامه‌نگاری در روزنامه‌ها

یکی از مهمترین عرصه‌هایی که زنان از ابتدای مشروطیت به صورت فعال در آن حضور یافتند، انتشار روزنامه و مجله بود. در دوره مشروطه با مقاله‌ها و نوشته‌هایی از زنان در روزنامه‌ها روبه‌رویییم که دیگر وجه توصیفی ندارند و با شیوه‌ای نو در گستره همگانی مطرح شده‌اند. نوشته‌های زنان تا پیش از آن، ویژه مجامع خصوصی و محفلهای زنانه بود. سبک نوشتاری زنان در میانه روزگار ناصرالدین شاه تا دوره مشروطه، دگرگونی چشمگیری را آزمود و از سر گذراند. در واقع زنان در راستای ایجاد زمینه مناسب برای نشر و گسترش نامه‌نگاری، روی به نگارش و انتشار روزنامه آوردند. اولین فعالیت زنان در روزنامه‌های دانش، شکوفه، و زبان زنان صورت گرفت.

همراه با شتاب گرفتن تحولات سیاسی و اجتماعی و رواج روزنامه‌ها و روزنامه‌نویسی در دوره مشروطیت، زنان شروع به نامه‌نگاری در روزنامه‌ها کردند. انتشار روزنامه‌های گوناگون در جریان و پس از پیروزی جنبش مشروطیت ایران، زمینه‌ای را فراهم آورد تا زنان از دریچه آن روزنامه‌ها به حیطه عمومی وارد شوند. زنان برای نخستین بار، در این دوره، نامه‌هایی به روزنامه‌های مشروطه‌خواه مینویسند. این حضور در روزنامه‌ها، با ورود زنان به عرصه اجتماعی و فضای عمومی جامعه همزمان میشود. روزنامه‌های زنان در این دوره مسائل فردی و خانوادگی را پایه میگذارند. تا پیش از انتشار این روزنامه‌ها، کمترین نوشته‌ای درباره مسائلی چون روابط زن و شوهر، مادر و فرزند و رفتار در خانواده نمی‌بینیم. به این ترتیب، حضور در ادبیات نثر، از اولین جلوه‌های حضور زن در محیط جمعی محسوب میشود. میتوان گفت روزنامه‌های زنان پایه‌گذار مباحثات فردی و خانوادگی در ایران بودند.

«بررسیها نشان میدهد زنان دوره قاجار در نوشته‌ها و نامه‌های اجتماعی خود کنشی تند و انقلابی ندارند. آنگونه که نوشته‌هایشان نشان میدهد، آنها میخواستند با حفظ سنت‌ها، اصلاحات گام‌به‌گام در روابط خانوادگی را درپیش گیرند. به‌عنوان نمونه میتوان به مسئله انتقاد از چندهمسری در برخی نوشته‌ها اشاره کرد که در تداوم آن نگرش بوده است» (مهدعلیا به روایت اسناد، نوایی: ص ۱۵۸). به تدریج در دوره مشروطه نامه‌های زنان در روزنامه‌ها رنگ و لعاب سیاسی- اجتماعی به خود گرفت. همچنین نثر نوشته‌های زنان متأثر از محیط خصوصی زنانه و زبان گفتار است که به تدریج با ورود به دوره مشروطه و گسترش روزنامه‌ها وارد حیطه عمومی میشود و از زبان گفتاری فاصله میگیرد. ورود نوشته‌های زنان به حیطه اجتماع، یکی از اولین نشانه‌های حضور آنان در فضای کاملاً تمایز یافته دوره قاجار و نشانه گذر از حیطه خصوصی به حیطه عمومی است.

«تا پیش از گشایش روزنامه‌های مخصوص زنان (۱۳۲۹ ه-ق)، نامه‌های آنان بیشتر

در روزنامه‌های *حبل‌المتین*، *مساوات*، *تمدن*، *ندای وطن* و *ایران نو* به چاپ میرسید. مضامین این نامه‌ها، اکثراً مضامینی اجتماعی است. انتقاد از اوضاع آشفته سیاسی و تشویق مردان به مبارزه، انتقاد از عملکرد وکلای مجلس در دوره اول مشروطه، استدلال در اثبات حق تحصیل زنان و لزوم تربیت آنان از مسائلی بود که در حوزه اجتماعی، زنان به آن پرداختند» (هدفها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، خسروپناه: ص ۸۶).

نخستین روزنامه اختصاصی زنان ایران را مزین السلطنه، دختر میر سیدرضی رئیس‌الاطباء، پزشک قشون ناصرالدین شاه، راه‌اندازی کرد. این روزنامه بیش از آنکه سیاسی باشد، اجتماعی بود و علاوه بر توصیه به زنان برای تنظیم امور خانه و تأمین آسایش و راحتی اعضای خانواده، بر صرفه‌جویی، تحصیل سواد و علم‌آموزی، توصیه‌های اخلاقی و رعایت حدود و مقررات اسلامی و اجتماعی میان مردان و زنان، نیز تأکید داشت: «در ترتیبات راحتی شوهر مواظب باشید [...] خانم نجیبه محترمه اگر سواد ندارد، باید فوراً در پی تحصیل سواد برآید و درس بخواند؛ زیرا زن بیسواد، صاحب عقل و تمیز نخواهد شد [...] باید دختران خوب همیشه در پی دلجویی مردم باشند، اگر بیمار است از او عیادت نموده، احوالپرسی کنند، اگر فقیر است، دستگیری نمایند» (تک‌نگاری یک روزنامه، الهی: صص ۳۲۲ و ۳۲۳).

به نظر میرسد اندیشه‌های مطرح‌شده در نامه‌نگاریهای زنان در این دوره نشان از نوعی خیزش فمینیستی دارد. در واقع در مورد نوع مطالبات جامعه اجتماعی زنان در نامه‌نگاریهای آنان در مطبوعات دوره مشروطه میتوان عنوان داشت که در این نامه‌نگاریها، مطالبه‌گری اجتماعی زنان در دو محور بوده است؛ نخستین محور نگرش تربیت و ایجاد مدارس نسوان را هدف اساسی خود قرار داده بود که بیشتر مطبوعات داخلی و روزنامه‌هایی چون *کاه* در خارج نمونه آن هستند. نگرش دیگر نیز علاوه بر مطرح کردن اهمیت مدارس نسوان، برابری حقوق زن و مرد را جزو مطالبات خود قرار داده بود که *روزنامه‌آختر* و *ایران نو* در ایران و *فرنگستان* در برلین را میتوان از این دست دانست. *روزنامه‌ایران نو* در میان تمام مطبوعات عصر مشروطه، بیشترین سهم درج نامه‌های نسوان را به خود اختصاص داده است؛ به‌طوریکه در بین سالهای ۱۳۲۷-۱۳۲۹ ه.ق در مجموع حدود ۴۶ نامه از زنان در این روزنامه به چاپ رسیده است (ن.ک: بررسی نامه‌نگاری زنان در *روزنامه‌ایران نو*، باغدار دلگشا: ص ۶۹).

«زنان در نامه‌نگاری‌هایی که با مطبوعات انجام میدادند شیوه نگارش خاص خود را داشتند. ایشان نامه‌های خود را به نثری ساده و نزدیک به زبان گفتاری مینگاشتند و مکرر از مخاطب دوم شخص، که خطاب آن عموماً مردان بود، استفاده مینمودند» (دگرگونی زن و مرد در زبان مشروطیت، نجم‌آبادی: ص ۹۴).

بر اساس منابع و نامه‌نگاریهای زنان، اصلیتین مطالبه جامعه اجتماعی آنان نیز، تلاش برای ایجاد مدارس نسوان بود. امری که هرچند با اعتراضهای عده‌ای از مخالفان مشروطه مواجه بود، اما با تلاش و همگرایی اجتماعی زنان، تحقق یافت. «در این بین در نتیجه مطالبه‌گریهای زنان بود که پس از هفت سال از برقراری نظام مشروطه در ایران تعداد مدارس دخترانه به شدت افزایش یافت و در تهران در سال ۱۳۳۱ قمری/ ۱۲۹۲ شمسی تعداد ۶۱ مدرسه دخترانه با حضور ۱۴۷۴ نفر محصل وجود داشت» (روزنامه شکوفه، صفر ۱۳۳۲: ص ۴). به یک نمونه از نامه‌های زنان برای مطالبه حق سوادآموزی توجه کنید: «ای برادرانی که خون خود را ریخته، تحصیل مشروطیت نموده‌اید! آخر ما جماعت انانیة مظلوم ایران مگر از نوع شما نبوده و در حقوق نوعیه با شما شریک و سهمیم نیستیم؟ از شما انصاف می‌خواهیم. تا کی باید ما از فرمان طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة خارج باشیم؟ این چه بیرحمی است و کدام مروت؟» (روزنامه مساوات، ۱۹ صفر ۱۳۳۶: ص ۱۷).

یکی از ویژگیهای زبانی مهم در نامه‌نگاریهای زنان در این دوره، به کار بردن کلماتی است که در معرفی جایگاه اجتماعی خود به کار می‌گیرند. «تا قبل از این کلماتی مانند نسوان، مخدرات و کمینه برای معرفی زنان توسط خود آنان و دیگران برای معرفی آنها به- کار گرفته میشد، درحالیکه در دومین نامه زنان در روزنامه *ایران نو* با عنوان «خطابه یکی از شاگردان دبستان ناموس در مجلس امتحان» از واژه جدید «خانمها» استفاده میگردد» (روزنامه ایران نو، ۲۲ شعبان ۱۳۲۷: ص ۲). «زنان در دوره مشروطه، خصوصاً در هنگام نگاشتن در روزنامه‌های مردان، رعایت حریم عمومی را میکردند و زبان خود را در محیطی «دگرجنس‌آمیز» میپیراستند. در نشریات ویژه زنان نیز این موضوع رعایت میشد، گرچه گاه حریم خصوصی نوشتار زنانه در روزنامه خاص زنان، محیطی خالی از اغیار تلقی میشد و نوشته‌ها، خودمانی میان زنان ردوبدل میشد، محیط غیرخودمانی متن چاپی باعث میشد حذفهایی صورت گیرد» (دگرگونی زن و مرد در زبان مشروطیت، نجم‌آبادی: ص ۱۰۳).

طبق پژوهشی که درمورد بافت موقعیت و میزان تکرار کلمات در نامه‌نگاریهای زنان در روزنامه ایران نو انجام شده است، باید اشاره داشت کلماتی مانند «نسوان» به معنی زنان، خواهران و دبستان بیشترین ضریب تکرار را در بین کلمات دارند (نک: بررسی مطالبات زنان در جراید عصر مشروطه، علیزاده و باغدار دلگشا: ص ۲۱۰). در واقع یکی از موارد بسیار مهمی که زنان در نامه‌نگاریهای خود در مطبوعات دوره مشروطه در معرفی خود به آن دقت میکنند، استفاده از کلماتی است که بر جنبه اتحاد و اشتراک زنان تأکید میکند. کلمه «خواهران» در این میان همان کلمه اساسی است.

همچنین با تأسیس روزنامه‌های زنان و ورود آنان به فضای مکتوب همگانی، شاهد همراهی زنان با دلمشغولی روزنامه‌های مطرح آن دوره درباره حفظ زبان فارسی هستیم. زنان تلاش کردند اشکالات نگارشی خود را اصلاح کنند و نوشته‌های خود را در حد مطلوب

و قابل قبولی به جامعه ارائه دهند و بر این امر تأکید داشتند. مثلاً روزنامه‌ی *زبان زنان* نوشت تأکید روزنامه بر این است که «کم‌کم واژه‌های فارسی را در نگارش افزوده، تا خرد خرد به آنجا برسیم که هم نوشتن فارسی خالص برای ما عادت و آسان شده و هم برای خوانندگان دشوار نیاید» (روزنامه‌ی *زبان زنان*، ۲ شوال ۱۳۳۸: ص ۳). نویسندگان زن نسبت به سره‌نویسی و پاسداری از زبان فارسی حساس بودند و به این نکته توجه داشتند و در پالایش زبان خود میکوشیدند. آراستن نثر به صنایع لفظی و معنوی و کاربرد اشعار و امثال، چیرگی بر کلام و آراستن آن به صنایع لفظی و معنوی و تمایل به زیباسازی گفتار، در کنار ساده‌نویسی در نوشته‌های زنان به چشم می‌خورد و بیانگر دیدگاه جدید آنان در استفاده از امکانات نگارش است.

۵-۳- سفرنامه‌نویسی

سفرنامه‌ها منابعی مهم برای شناخت تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه هستند. سه سفرنامه یکی به نظم و دو به نثر از زنان این دوره به جا مانده است. سفرنامه‌ی منظوم، سفرنامه‌ی دختر فرهادمیرزا به مکه (۱۲۹۷ ه.ق) است. سفرنامه‌های منثور نیز یکی سفرنامه‌ی سکینه سلطان، از زنان دربار ناصری و همسر معتمدالملک، است که از تهران به شیراز مسافرت کرد (۱۳۲۳ ه.ق) و برادرزاده‌ی عین‌الدوله را برای همسری پسر مظفردین شاه، حاکم فارس، برد. دیگری سفرنامه‌ی خاور بی‌بی شادلو، خواهر یارمحمدخان ایلخانی، سردار بجنورد، است که برادرزاده‌ی خود را برای همسری سیف‌السلطنه از بجنورد به تهران (۱۳۲۱ ه.ق) همراهی کرد. این دو سفرنامه به توضیح و تشریح وقایع سفر می‌پردازند. نثر آنها، نثری ساده و نزدیک به محاوره و درباره‌ی حضور و شرکت در مراسم عروسی در شهری دیگر است. نویسندگان این سفرنامه‌ها، بخشی گسترده از نوشته‌هایشان را به توصیف مراسم و تدارکات آنان اختصاص داده‌اند. جزئیاتی همچون نرخ اجناس مصرف‌شده و نیز موارد و مسائل بهداشتی نیز در آن نوشته‌ها آمده است. مسئله‌ای مهم در این سفرنامه‌ها وجود دارد که از یک دگرگونی چشمگیر در دوره یادشده نشان دارد. لقبها و عنوانهای زنان در سندهای رسمی وجود نداشت اما در این سفرنامه‌ها، نام زنان با لقب و عنوان آمده است. زنان ایرانی به‌موجب منابع و سندهای تاریخی، تا روزگار پایانی حکومت ناصرالدین شاه قاجار، تنها با نام مستعار خوانده می‌شدند، اما برای نخستین بار در این سفرنامه‌ها با نام و لقبهای واقعی آنان روبه‌رو می‌شویم.

نثر این سفرنامه‌ها از زبان گفتاری پیروی می‌کند و نثری ادبی نیست. به کار بردن لغات و اصطلاحات متداول در آن دوره که اکنون منسوخ شده، کاربرد واژه‌های عامیانه و القاب و جملات دعایی، برخی ویژگیهای سبکی مشترک این سفرنامه‌ها است. درعین حال نثر این سفرنامه‌ها از جنبه‌هایی با هم متفاوت است. از شیوه نگارش خاور بی‌بی برمی‌آید که او اهل مطالعه بوده و با سفرنامه‌نویسی آشنایی داشته است. توصیف اماکن، خصوصاً اماکن

مذهبی در نوشته او با دقت صورت گرفته است. همچنین خاور بی‌بی در جایی از سفرنامه، کوه‌ها و صخره‌های دره «خوار» را به زندان قلعه «ایف» در داستان کنت مونت کریستو تشبیه میکند (نک: سفرنامه بی‌بی خاور شادلو: ص ۳۵) که نشاندهنده آشنایی زنان این دوره با ترجمه داستانهای اروپایی است.

۵-۴- خاطره‌نویسی

زنان در خاطره‌نویسی که میراث اواخر عصر ناصری است، سهم مهمی داشتند. خاطرات تاج السلطنه، مونس‌الدوله، مهرماه فرمانفرمایان و سردار مریم اسعد بختیاری از کتابهای خاطرات برجای مانده از زنان این دوره است که از طبقه خواص بوده و خانواده‌های ایشان از رجال متنفذ این دوره به‌شمار میرفتند.

آخرین نمونه نثر دوران پیش از مشروطه *خاطرات تاج السلطنه*، دختر ناصرالدین شاه است که در سال ۱۳۳۳ ه.ق آن را نگاشت. این نوشته بازگوکننده افکار انتقادی نویسنده درباره زنان، اجتماع و مسائل حکومتی است. تاج‌السلطنه را برجسته‌ترین شخصی میدانند که از وضعیت ناگوار زنان در این دوره سخن راند. تاج‌السلطنه که از تحصیلات برخوردار بود و با آثار نویسندگان فرانسوی و شیوه زندگی در فرنگ، آشنایی داشت، در مقیاسی وسیعتر از بی‌بی خانم به انتقادات اجتماعی پرداخت. همچنین نثر این اثر بسیار عالمانه و بی‌پیرایه است. متن درعین‌اینکه دارای ظرافتهای ادبی و استفاده‌های بجا از فنون بلاغی است، سادگی و گیرایی خاصی به‌ویژه در توصیف صحنه‌های عاشقانه و احساسات زنانه دارد.

۶- ویژگیهای سبک‌شناسانه نثر زنان در این دوره

در مجموع از ویژگیهای قابل تأمل سبکی در نثر دوره قاجار و مشروطه که در نوشته‌های زنان وجود داشته میتوان به موارد زیر اشاره نمود.

الف) کاربرد ترکیبات و اصطلاحات عامیانه

اصطلاحات و کلمات عامیانه در نثر زنان این دوره زیاد است. واژه‌هایی چون «ناخوش» به جای «بیمار»، «چاقشون» به جای «چاقچور» (سفرنامه سکینه سلطان: ص ۴۱ و ۱۰۵)، «چاقشول» به جای «چاقچور»، «گنده» به جای «بزرگ»، «تو» به جای «داخل» (سفرنامه خاور بی‌بی شادلو: ص ۱۸۸ و ۲۱۵ و ۲۲۰)، «استلخ» به جای «استخر» و «دبه درآوردن» (نامه‌های فروغ‌الدوله: ص ۱۸۷ و ۱۸۸). بی‌بی خانم علاوه بر کاربرد این اصطلاحات عامیانه، از تصنیفهای کوچه‌بازاری نیز در نوشته خود استفاده کرده است. مثلاً «شلوار دبیت تو و شال بته‌دارت آید به چه کارت؟ / بفروش و بکن خرج قران و دل دلدار به دست آر» (سفرنامه خاور بی‌بی شادلو: ص ۱۷۵).

به‌نظر میرسد استفاده از این نوع کلمات و اصطلاحات در نتیجه کم‌تجربگی زنان در عرصه نوشتار و فرهنگ کتبی در مقایسه با فرهنگ شفاهی و گفت‌وگو است. البته طبیعی

است که میزان استفاده از کلمات و اصطلاحات عامیانه در نثر زنان در قالب نامه‌نگاری در جراید، به حداقل خود و یا صفر می‌رسد. زنان نویسنده این نامه‌ها جزو طبقات تحصیل‌کرده فرهیخته‌ای بودند که با زبان رسمی و فرهنگ کتبی آشنایی بیشتری داشتند و در شبیه نمودن زبان آثار خود به نوشته‌های مردان میکوشیدند تا مساوات و برابری را در این عرصه نیز به نمایش بگذارند.

ب) ایرادات سبکی و غلط‌های نگارشی

نثر زنان در دوره قاجار به ادبیات گفتاری بسیار نزدیک است. این امر به‌واسطه خصوصی بودن نوشته‌هاست. «میتوان گفت گرایش نثر به ساده‌نویسی باعث شد زنان که تجربه کمی در نگارش داشتند جرئت کنند دست به قلم ببرند و آنچه دریافت می‌کنند بنگارند. اما به‌واسطه تجربه اندک، بعضی قواعد نوشتاری را رعایت نمی‌کردند. این موارد در نثر آنان وجود دارد» (تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران، جسیم، ج ۱: ص ۱۳).

نثر زنان در این دوره همچنین مملو از غلط‌های املائی و نگارشی است. گرچه اغلاط املائی در نوشته‌های دوره قاجار رایج است، اما این حجم غلط‌های املائی در نوشته‌های زنان، بیان‌گر کم‌تجربگی آنان در امر نویسندگی و عدم تسلط بر نگارش است. مواردی مانند حذف فعل بدون قرینه: «اگرچه منزل ما خیلی عالی و پاکیزه و اتاقها نیمه فرش- کرده، کرسی گذاشته و همه اسبابی به قاعده دارد، اما وقت بهار و تابستان خوب است» (سفرنامه خاور بی‌بی شادلو: ص ۱۹۴)؛ به‌کاربردن کلمات غیرعربی با تنوین: «تلگرافاً» (همان: ص ۱۹۲)؛ جمع بستن دوباره کلمات جمع: «اسبابها» (همان: ص ۲۰۰)، جواهرات (خاطرات تاج‌السلطنه: ص ۲۸)؛ تطبیق صفت و موصوف به تقلید از زبان عربی: صفات حمیده، قوه حساسیه (همان: ص ۳۰ و ۲۹)؛ جمع بستن کلمات فارسی با نشانه‌های جمع عربی: نوازشات (همان: ص ۲۶) و کاربرد قیدهای ساختگی و گاه غلط: بیهودانه (همان: ص ۲۷)، متشکرانه (همان: ص ۳۲)، بیخودانه (همان: ص ۳۹)؛ تقدم فعل بر سایر اجزای جمله: «احوالم خوب نیست، باشد یک روز دیگر می‌رویم. این نارنجستان را هم حالا هر کار باید کرد، مقاطعه بدهید به استاد علی‌اصغر» (نامه‌های فروغ‌الدوله: ص ۴۸)، «آمدیم تا رسیدیم به کوه بی‌بی شهریانو» (سفرنامه خاور بی‌بی شادلو: ص ۱۹۳)؛ کاربرد بی‌اندازه وجه وصفی: «آتش کرده مفرشها را بستند. نماز خوانده چایی آوردند خوردیم» (همان: ص ۲۱۷)، «من به محض نشستن در صندلی از خیال نرفته، سرم را به طرف پشت متمایل نموده، چشمها را برهم گذاشته مشغول فکر شدم» (خاطرات تاج‌السلطنه: ص ۳۹) که جزو شایع‌ترین غلط‌های نگارشی این زنان است.

پ) فراوانی جملات دعایی

کاربرد زیاد جملات دعایی در نوشته‌های زنان این دوره به دو علت اصلی است؛ یکی باور به جایگاه بالاتر مردان نسبت به آنها و دیگری روحیات لطیف زنانه. در واقع جملات

دعایی یا خطاب به مردان هستند و یا از احساسات لطیف، زنانه و مادرانه سرچشمه گرفته‌اند. یکی از ویژگی‌هایی که از مشخصه‌های سخن زنانه شمرده می‌شود، این است که «زنان نسبت به مردان بیشتر از جملات دعایی، تعجبی و منادا استفاده می‌کنند» (سبک‌شناسی، فتوحی: ص ۴۰۸).

به چند نمونه از این جملات توجه کنید:

«قربان شما بروم. خداوند عالم ان شاء الله مرا به قربان شما بکند» (مهدعلیا به روایت اسناد، نوایی: ص ۵۷).

«ناهار آوردند. جوشبره هم خواسته بودیم. جای رفقا خالی است. الهی در جهان خالی نباشد» (سفرنامه خاور بی بی شادلو: ص ۱۷۹).

«خیلی جای باصفایی بود. [...] یاد از همه یاران و عزیزان کردیم. خداوند همه را به سلامت دارد» (همان، ص ۱۹۱).

ت) بهره‌گیری از استدلال

تحلیل و استدلال، از نخستین ویژگی‌هایی است که در نوشته‌های زنان این دوره نمایان می‌شود. زبان و ادبیات این نوشته‌ها نسبت به دوره‌های پیشین پیراسته است. نویسندگان برای زینتبخشی به متنهای خود از شعرها و نیز حدیثهای دینی شاهد می‌آورند. بخش عمده‌ای از نوشته‌های زنان، تلاش برای متقاعد ساختن افکار جمعی برای لزوم تحصیل زنان و ایجاد تغییراتی در زندگی آنان بود. نویسندگان زن سعی کردند به جای بیان احساسات و عواطف خود، از روشهای استدلالی بهره جویند. این امر سبب ارتقای نثر زنان در این دوره گردید. نمونه این استدلالات در نثر طایره تهرانی^۱ در روزنامه ایران نو بسیار است. به نمونه‌ای از استدلال زنان در اثبات حق تحصیل توجه کنید:

«اگر مقصود [...] این است که جماعت زنان میباید هیچ علمی نیاموزند و مانند حیوان بی‌شاخ‌دم باشند تا از این نشأ برونند و این فرموده خداوند است، پس مرقوم فرمایید که خدا و اولیای خدا جل‌وعلا در کجای کلام الله و احادیث این مطلب را فرموده‌اند و اگر چنین مطلبی صحیح است، سبب این بی‌التفاتی خدا و اولیاء و انبیاء نسبت به صنف نسوان چه بوده است که ایشان را به صورت انسان خلق کرده ولی تجاوز ایشان را از سیرت حیوانی به حقایق انسانی قدغن فرموده است و باوجود این بی‌رحمتی، چرا همه را مکلف به تکلیفات فوق‌الطاقه نموده و از ایشان عبادت و تهذیب اخلاق و اطاعت شوهر و پدر خواسته» (روزنامه حبل‌المتین، ۱۸ رجب ۱۳۲۵: ص ۸).

تاج‌السلطنه در خاطرات خود بارها به ثبت عباراتی روی آورده است که حاکی از روحیه استدلال طلب او دارد.

۱- شاعر و نویسنده ایرانی و از پیشگامان آزادی زنان در ایران

«از بدبختیهای بزرگ انسان همین است که باید به میل پدر و مادر زن گرفته شوهر نماید. درحالتی که برخلاف عقل و مغایر قانون و بسیار عجیب است. و در این موضوع حق به طرف اروپاییهاست. اگرچه آنها از همه چیز از ما علامه‌تر و ترقیاتشان زیادتر است. اما من متأسفم که ما چرا آنقدر جاهل باشیم که اقلاً بین خوب و بد را تمیز نداده، اگر از خود نداریم، لااقل از دیگران بیاموزیم؛ زیرا که انسان باید همیشه برای روزگار آینده خود در جدوجهد باشد» (خاطرات تاج‌السلطنه: ص ۲۸).

«ما درینجا یک خانواده کوچکی را قیاس گرفته، از اینرو به مملکتی میرسیم. اگر رئیس یک خانه هرچه دارد تلف کند و به اولاد و اتباع خود هم اجازه اخذ بدهد و تمام ساعات عمرش را صرف لهو و لعب کند، کم‌کم این بیقیدی به گوش همسایه رسیده، او هم فرصت کرده به این لالابالی به‌طور خصوصیت قرض می‌دهد و کم‌کم سهم مهلک استقراضی را به حلق او می‌چکاند. بالأخره خانه او را گرو می‌گیرد...» (همان، ص ۸۸).

ث) استفاده اندک از صنایع بلاغی

زنان نیز مانند مردان در نوشته‌های خود از صنایع بلاغی استفاده کرده‌اند، اما این امر در مقایسه با مردان کمتر در نوشته‌های آنها دیده می‌شود. به‌نظر میرسد زنان در نتیجه آشنایی اندک خود با فضای کتابت، تمایل بیشتری به ساده‌نویسی از خود نشان داده‌اند. باوجود این فنون بلاغی در این نوشته‌ها بیانگر دیدگاه جدید زنان در استفاده از امکانات نویسندگی است. به این عبارات از طایره تهرانی توجه کنید: «ای صاحبان بصیرت، خفاش- صفت از تجلی شمس ترقی و تمدن محروم نمانید و فریفته رنگ‌وبوی دنیای فانی نشوید. راه بیهوده مپوید، گل پژمرده مپوید.

کمتر از ذره نئی پست مشو مهر بورز / تا به خلوتگه خورشید رسی چرخ‌زنان

خداوند یگانه احدی را بدبخت و بیچاره خلق نفرمود. هرچه هست از قامت ناساز بی- اندام ماست. در صورتیکه خداوند کریم در خلقت بشر از فضل و عنایت خود دریغ نفرموده، انصاف دهید کدام صانع است که مصنوع خود را معیوب پسندد؟ نقش را نقاش با جان پرورد / وانگهش در نزد سلطان آورد» (روزنامه ایران نو، ۲۹ شوال ۱۳۲۷: ص ۱۲).

در کتاب خاطرات تاج‌السلطنه نیز با نثری مواجهیم که در توصیف احوالات درونی نویسنده و پیوند آن با طبیعت بسیار هماهنگ عمل کرده و نتیجه‌ای دلنشین و تأثیرگذار رقم زده است: «سکوتی که حکمفرما بود، چنان مینمود که کائنات به خواب رفته و سر به بالین برادر مرگ نهاده‌اند. [...] فقط جنبش شاخسار درختان که از وزش ملایم نسیم شب است، انعکاس میداد و گاهگاهی رشته سکون را از هم می‌گسلانید» (خاطرات تاج‌السلطنه: ص ۳۶).

«این مرهمی که موسوم به عشق است مثل برفی میماند که قطعه کوچکی از قلّه کوه جدا بشود. هرچه رو به سقوط بگذارد، زیادتر میشود» (همان: ص ۸۵).

ج) توصیف جزئیات و مطالب بی‌اهمیت (جزئی‌نگری)

زنان به‌واسطه توجه به جزئیات خاص، در نوشته‌های خود به توصیف موارد و اموری پرداخته‌اند که کمتر دارای اهمیت است. این موضوع به‌ویژه در سفرنامه خاور بی‌بی خود را نشان داده است. با توجه به نوع توصیفات در این اثر، به‌سادگی میتوان به جنسیت نویسنده آن پی برد: «چون خسته و کسل بودم، شام خورده خوابیدم. اتاق خیلی سرد بود. وقت سحری از صدای طبل بیدار شدم که خیلی سرما خورده‌ام. بیکه را بیدار کردم لحافها را ساخت. به خواب رفتم. صبح سر آفتاب برخاستم. نماز خوانده شیر آوردند. چایی خورده قدری عرق کرده بودم. هنوز هم خیلی سرد بود» (سفرنامه خاور بی‌بی شادلو: ص ۱۷۸).

همچنین سخن گفتن از دغدغه‌های زنانه، به‌ویژه زنان طبقه اشراف، در این آثار نمود پیدا کرده و اغلب شکل حدیث نفس و تکگویی درونی به خود گرفته است: «باغ و ملک از همه چیز دارد، اما از رخت و لباس هیچ ندارد و با اینهمه اوضاع خیلی گداصورتند. شوهر ندارد. یک پسر دارد و دو دختر. حالا میخواهد عروس بیاورد. دور نیست که فردا بگوید رخت عروس را هم باید شما بدهید» (همان: ص ۱۹۲).

چ) ساده‌نویسی

در نثر زنان این دوره بسامد جملات ساده و مرکب همپایه نسبت به جملات وابسته و پیچیده بیشتر است. به‌طور کلی سبک نوشتار زنان نسبت به مردان ساده‌تر است و آنان از عوامل زبرزنجیری و غیرزبانی (لحن، آهنگ، مکث و تکیه) و آشکال دال بر ابهام بیش از مردان استفاده می‌کنند (*Talking power*، لیکاف: ص ۲۰۴). به نظر میرسد گرایش زنان به زبان گفتاری بیش از مردان است؛ یعنی بیشتر تمایل دارند همانطور که حرف می‌زنند، بنویسند. سبکهای مصنوع و ترکیبی با جمله‌های بلند و واژه‌گزینی دشوار که در تاریخ‌نویسی، نگارش منشیانه و وقایع‌نگاری درباره‌های ایران رواج داشته، پیوند مستقیمی با قدرت و اراده اقتدارگرای مردان داشته است. اگر نگارش اقتدارگرا را متمایل به صنعتورزی، پیچیدگی و کلان‌نگری بدانیم، نوشتار ساده و بی‌پیرایه زنانه در تقابل با آن قرار می‌گیرد که در پیوند مستقیم با امور جزئی زندگی عادی است (سبک‌شناسی، فتوحی: ص ۴۱۴).

«چهار ساعت از شب رفته عروس را مهرالسلطنه آورد به تالار. روی صندلی نشستند. مطربها هم مشغول زدن و خواندن و بازی هستند. به قدری نشستیم که همه خسته شدیم. خانمها یک‌یک برخاسته رفتند. من ماندم و ترکان خانم و مطربها» (سفرنامه خاور بی‌بی شادلو: ص ۲۰۳).

«هر روز من متجاوز از پنجاه شصت نفر مهمان داشتم. تمام زن‌پدرها، همشیره‌ها، اقوام دسته‌دسته به روزه می‌آمدند. پس از اتمام روزه که اینها به منزل می‌آمدند، برادرها، قوم‌خویشهای محرم من از بیرون سلام پیغام میدادند. و اغلب زن‌پدرها داوطلب میشدند

که ایشان اندرون بیابند و ما آنها را ببینیم» (خاطرات تاج‌السلطنه: ص ۷۸).

۷- نتیجه

زنان نویسنده در دوره ناصری عمدتاً از طبقه اشراف برخاسته و به آن بخش از جامعه وابستگی داشتند. آنها در دوره مشروطه اما از بخش‌های دیگر جامعه نیز سربرمی‌آورند. زنان نویسنده عصر مشروطه، کسانی از طبقه متوسطند که به سواد خواندن و نوشتن دست یافته و به موضوعات و مسائل حوزه زنان نگاهی اجتماعی دارند. در میان نوشته‌های زنان این دوره، چنانکه میبینیم گفتمان تحول آغاز شده بود. سوای نامه‌ها و سفرنامه‌ها که اوضاع عمومی زنان را منعکس میساخت، دلمشغولیه‌ها و تمایل آنان به تغییر اوضاع و شرایط خود را به‌ویژه در خاطرات تاج‌السلطنه درمی‌یابیم. این زن که از تحصیلاتی برخوردار بود و از شرایط زندگی زنان در کشورهای دیگر آگاهی داشت، بیشتر به تحلیل شرایط زندگی زن ایرانی پرداخت و از آن انتقاد کرد. جرئت و جسارت ابراز نظر و انتقاد به شرایط موجود از ثمرات این دوره بود. پیوند و آشتی زن با فرهنگ مکتوب و نفس نوشتن نامه، سفرنامه و خاطره، گامی مهم در تغییر تدریجی شرایط زن محسوب میشد. زنان این دوره که برای اولین بار نثر را برای بیان افکار و احساسات خود و انتقاد به وضعیت موجود، انتخاب کردند، هم در جنبش ساده‌نویسی نثر شرکت کردند و هم حضور آنان در فرهنگ مکتوب، زمینه‌ساز حضور جدی‌تر زن در نثر دوره‌های بعد شد. در این دوره بیشترین فعالیت زنان در حوزه نثر در سه زمینه نامه‌نگاری، خاطره‌نویسی و سفرنامه‌نویسی صورت گرفته است. ساده‌نویسی، توصیف جزئیات و مطالب بی‌اهمیت، بهره‌گیری از استدلال، فراوانی جملات دعایی، ایرادات سبکی و غلطی‌های نگارشی، و کاربرد ترکیبات و اصطلاحات عامیانه از مهمترین و شایعترین ویژگی‌های نثر زنان در این دوره است.

فهرست منابع

- انجمن‌های نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطه، آفاری، ژانت (۱۳۷۷) ترجمه جواد یوسفیان، تهران: بانو.
- بررسی مطالبات اجتماعی زنان در جراید عصر مشروطه، علیزاده، محمدعلی و باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۵) زن و جامعه، سال هفتم، شماره یکم، بهار، صص ۲۰۱-۲۱۶.
- بررسی نامه‌نگاری زنان در روزنامه ایران نو؛ با تأکید بر نگرش بافت موقعیت کلمات، باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۴) پژوهش در تاریخ، دوره ۶، شماره ۲، تابستان، صص ۶۳-۷۷.
- تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران، جسیم، اسماعیل (۱۳۹۱) جلد اول، تهران: علمی.
- تاریخ خانمها، بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار، حجازی، بنفشه (۱۳۸۸) تهران: قصیده‌سرا.

- تکنگاری یک روزنامه، دانش: اولین روزنامه فارسی زبان برای زنان ایرانی، الهی، صدرالدین (۱۳۷۳) ایرانشناسی، سال ششم، تابستان، شماره ۲۲.
- خاطرات تاج‌السلطنه (۱۳۶۱) به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، چاپ اول، تهران: تاریخ ایران.
- خاطرات لیدی شیل، شیل، مری (۱۳۶۸) ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- درسنامه نظریه و نقد ادبی، گرین، کیت (۱۳۸۳) ترجمه حسین پاینده، تهران: روزگار.
- دگرگونی زن و مرد در زبان مشروطیت، نجم‌آبادی، افسانه (۱۳۷۴) نیمه دیگر، دوره دوم، شماره ۲.
- دیدارهای دوست، پژوهشی در ادبیات سفرنامه‌ای، کراچی، روح‌انگیز (۱۳۷۴) تهران: چاپار.
- روزنامه ایران نو (۱۳۲۷ق) سال اول، شماره ۱۳، ۲۲ شعبان.
- روزنامه ایران نو (۱۳۲۷ق) سال اول، شماره ۶۵، ۲۹ شوال.
- روزنامه حبل‌المتین (۱۳۲۵ق) سال اول، شماره ۲۱۴، ۱۸ رجب.
- روزنامه زبان زنان، (۱۳۳۸ق) سال اول، شماره ۹، ۲۱ صفر.
- روزنامه زبان زنان، (۱۳۳۸ق) سال اول، شماره ۳۰، ۲ شوال.
- روزنامه شکوفه (۱۳۳۲) سال دوم، شماره ۲۰، صفر.
- روزنامه مساوات، (۱۳۲۶ق) سال اول، شماره ۱۸، ۱۹ صفر.
- زن در تاریخ معاصر ایران، توانا، مرادعلی (۱۳۸۰) جلد اول، تهران: برگ زیتون.
- زنان سخنور، شیرسلیمی، علی‌اکبر (۱۳۳۵) تهران: علمی.
- سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی، محمود (۱۳۹۰) تهران: سخن.
- سفرنامه خاور بی‌بی شادلو (۱۳۷۴) به کوشش قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، ذیل سفرنامه‌های سهام‌الدوله بجنوردی، تهران: علمی و فرهنگی.
- سفرنامه سکینه سلطان (۱۳۸۴) به کوشش کیانوش کیانی، تهران: پانید.
- سند شماره ۹۶۸۱۳۹۳، مجموعه نواب شریفی، نشانی الکترونیکی:
www.qajarwomen.org
- مشارکت سیاسی زنان، کار، مهرانگیز (۱۳۸۰) چاپ دوم، تهران: روشنگران.
- مهدعلیا به روایت اسناد، نوایی، عبدالحسین (۱۳۸۳) تهران: اساطیر.
- نامه‌های فروغ‌الدوله (۱۳۸۳) به کوشش ایرج افشار، تهران: فرزانه.
- هدفها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۲) چاپ دوم، تهران: نشر پیام امروز.
- Lakoff, R. T. (1990) Talking power: The Politics of Language in our lives. New York: Basic Books.